335259 ـ اگر چیزی را ببیند که از آن خوشش بیاید آیا با هر بار دیدنش باید دعای برکت کند؟

سوال

اگر چیزی را ببینم و از آن خوشم بیاید آیا لازم است هر بار که آن را می‌بینم بگویم «اللهم بارك» یا همان گفتن بار اول کافی است؟ و اگر یک بار نگویم گناهکار می‌شوم؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا:

پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ مسلمان را امر کرده که هرگاه در برادران مسلمان خود چیزی را ببیند که از آن خوشش بیاید برایشان دعای برکت کند و فرمودند:

«هرگاه کسی از شما از برادرش چیزی ببیند که از آن خوشش بیاید، باید برای او دعای برکت کند» به روایت امام مالک در موطا (۲/ ۹۳۹) و امام احمد در مسند (۲۵/ ۳۵۵) و ابن ماجه (۳۵۰۹).

علما در این باره اختلاف کرده‌اند که آیا امر، تکرار را می‌رساند؟

آن‌چه در اصول مقرر است این است که صرف امر اگر قرینه‌هایی مبنی بر تکرار در آن نباشد، معنای تکرار را در خود ندارد.

شیخ محمد امین الشنقیطی ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«مسلم در صحیحش از ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ روایت کرده که گفت: رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ برای ما خطبه گفت، پس فرمود: «ای مردم، الله حج را بر شما فرض گردانیده، پس حج را به جا آورید»! مردی برخاست و گفت: هر سال؟ پس ایشان سکوت کرد تا آن‌که سه بار [سؤالش را] تکرار کرد، پس رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «اگر می‌گفتم آری، واجب می‌شد و توانایی‌اش را نداشتید» سپس فرمود: «تا وقتی شما را رها کرده‌ام [و امری نکرده‌ام] مرا رها کنید [و نپرسید] زیرا آنان که پیش از شما بودند به سبب پرسش‌های بسیار و اختلافشان با پیامبرانشان هلاک شدند. پس هرگاه شما را به چیزی امر کردم تا جایی که می‌توانید انجامش دهید و چون شما را از چیزی نهی کردم رهایش سازید».

محل شاهد در این حدیث، آن‌جاست که ایشان ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «ای مردم، الله حج را بر شما فرض گردانیده، پس حج را به جا آورید». شبیه به این را امام احمد و نسائی روایت کرده‌اند. از این حدیث استدلال کرده‌اند که امر مجرد و بدون قرائن، معنای تکرار را در خود ندارد، چنان‌که در اصول مقرر است» (أضواء البیان: ۵/ ۷۴).

اما اگر قرائنی مبنی بر تکرار وجود داشت، تکرار بر حسب آن قرائن لازم می‌شود، از جمله اگر امر بر شرط و علتی مترتب شود که آن را لازم بگرداند، که این‌جا بر حسب حکمت شارع هر بار که آن علت وجود داشته باشد، آن کار امر شده نیز باید انجام شود.

ابن اللحام ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«اما شارع، حکیم است و تناقض از آن سر نمی‌زند، پس هرگاه شارع حکمی را داد و آن را به یک علت وابسته دانست (یعنی هرگاه آن علت باشد آن حکم نیز باید انجام شود) خواهیم دانست که آن حکم هرگاه که آن علت رخ دهد وجود خواهد داشت، والله اعلم» (القواعد والفوائد الأصولیة: ۲۴۰).

حدیث پیشین نیز امر به دعای برکت را به خوش آمدن مربوط دانسته، و این یعنی هر بار با دیدن چیزی از آن خوشت بیاید باید آن دعا را تکرار کنی.

ثانیا:

اما حکم ترک دعای برکت، چنان‌که به نظر می‌آید، کسی که چیزی را دیده و از آن خوشش آمده دو حالت دارد:

حالت نخست: این‌که به شدت از چیزی خوشش آمده آن‌قدر که می‌ترسد برادرش دچار چشم زخم شود که این‌جا واجب است برایش دعا کند؛ زیرا بر مسلمان واجب است که شر و آزار خود را از برادرانش دور نگه دارد.

ابن قیم ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«اگر کسی که چیزی را دیده از این‌که چشمش زیان برساند و به شخص مورد نظر آسیب وارد کند بترسد، باید شر خود را با گفتن اللهم بارك علیه از او دور سازد، چنان‌که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ به عامر بن ربیعه که سهل بن حنیف را مورد چشم زخم قرار داده بود فرمود که: «آیا نمی‌شد برای او دعای برکت کنی؟» یعنی می‌گفتی: اللهم بارِك علیه (زاد المعاد: ۴/ ۱۵۶).

ابن عبدالبر در این مورد قول صریح مبنی بر وجوب آن را مطرح ساخته می‌گوید:

«در سخن رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ که «نمی‌شد برای او دعای برکت کنی؟» دلیل است بر این که چشم زیان

می‌رساند و اگر چشم زننده دعای برکت کند زیانش به طرف مقابل نمی‌رسد اما اگر دعای برکت نکند زیانش می‌رسد؛ بنابراین واجب است که هر کس از چیزی خوشش آمد برای آن دعای برکت کند، و اگر برایش دعای برکت کرد آن ترس بدون شک برطرف خواهد شد، والله اعلم» (التمهید: ۶/ ۲۴۰ـ۲۴۱).

قرطبی ـ رحمه الله ـ در تفسیر (۱۱/ ۴۰۱) همانند ابن عبدالبر گفته و همین‌طور ابن ملقن در «التوضیح» (۲۷/ ۴۰۱) نقل کرده است.

اما حالت دوم:

اگر شخص به چشم زخم معروف نبود و از خودش ترسی نداشت و نمی‌ترسید که با چشم به برادرش زیانی بزند، این‌جا نیز دعا مشروع است زیرا نوعی نیکوکاری در حق برادر مسلمان است و در این حالت دلیلی بر وجوب نیافتیم.

والله اعلم.